فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره ششم (بهار ۱۴۰۰)

بررسی و تحلیل مدیریت انتظامی پلیس در راستای مبارزه با قاچاق کالا

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

دکتـــر بهنـــام اســـدی[۱]

چکیده

قاچاق، معضلی است که تمامی کشورهای جهان به نوعی گرفتار آن هستند، ولی شواهد نشان می‌دهد عمق در وسعت قاچاق در کشورهای کمتر توسعه یافته، بیشتر می‌باشد. به نحوی که در بعضی از این کشورها، قاچاق بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد. در این بین می‌توان آثار و نشانه‌های وجود ریشه‌دار این معضل را در لایه‌های مختلف اقتصاد جمهوری اسلامی نیز مشاهده کرد. قاچاق دامنه وسیعی از فعالیتها را شامل می‌شود. قاچاق کالا اغلب با واژه های اقتصاد سیاه، اقتصادپنهان، اقتصاد زیرزمینی تعریف می شود، دامنه وسیعی از فعالیت های اقتصادی را چه در مرحله تولید وچه در مرحله توزیع و تجارت شامل می شود. در این وادی مدیریت انتظامی پلیس در راستای مبارزه با قاچاق کالا امری لازم و ضروری می باشد که در این مقاله قصد داریم با نکاهی به اهمیت بالای پلیس در پیشگیری از جرم قاچاق کالا ابعاد حقوقی موضوع را مورد مداقه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: قاچاق کالا، قاچاقچیان، گمرک، پلیس ناجا، فعالیت های تجاری، واردات کالا

---

[۱] مدیر عامل و صاحب امتیاز بنیاد علمی آموزشی قانون یار

آدرس ایمیل نویسنده: Drbehnamasadi@yahoo.com

شماره تماس دفتر مرکزی تهران ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ – شماره تماس دفتر استان کرمانشاه ۰۸۳۳۷۲۹۶۱۳۳

مقدمه

قاچاق کالا که به نظر می‌رسد در کشور نهادینه شده است، پدیده‌ای چند وجهی چند ریشه‌ای است و از این رو تبعات آن به حوزه اقتصادی منحصر نمی‌شود، بلکه می‌توان به گستره وسیعی از پیامدهای مخرب سیاسی اجتماعی و فرهنگی در کنار آثار زیانبار اقتصادی آن اشاره کرد. باتوجه به اینکه کشور جمهوری اسلامی ایران از سالها تحت تاثیر پدیده قاچاق کالاقرار گرفته و لطمات جبران ناپذیری در تمامی بخش های فرهنگی ،اقتصادی ،اجتماعی وغیره به خود دیده و در جهت مقابله با این صدمات هزینه های زیادی پرداخته است ؛ اعم از جانی که شهادت مامورین مبارزه کننده در این راه، هزینه های مالی، نیروی انسانی و... که برهمگان مشخص و محرز است. همچنین قاچاق پدیده ای مخرب است که آسیب فراوانی بر پیکره ی اقتصاد کشور ها وارد می نماید. این فعالیت غیر رسمی اقتصاد، برنامه ها و سیاست های توسعه کشورها را دچار اختلال می کند و مشکلاتی نظیر کاهش تولیدات صنعتی وداخلی، کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت، فرار از محدویت های تعرفه ای موجود در بخش تجاری کشور،کاهش درآمدهای دولت نیز کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی را در جامعه پائین می آورد و سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، تعطیلی کارخانجات تولیدی و ... می شود. (مداح،۱۳۸۴،ص۶) . از آنجائیکه هزینه های موارد مذکور سنگین بوده و از پیشرفت کشور نیز در جهت رسیدن به سند چشم انداز۱۴۰۴ باز خواهد داشت رهبر معظم انقلاب نیز در پیام نوروزی سال ۱۳۹۱را سال ((تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی)) نامگذاری کرد و برای رسیدن به تدبیر داهیانه رهبر معظم انقلاب ضرورت توجه به موانع تولید است از آنجائیکه یکی از موانع تولید داخلی، قاچاق کالا می باشد . لذا برای مقابله با قاچاق کالا ضرورت وجود امکاناتی از جمله داشتن دانش مدیریت انتظامی است.افزایش بی رویه خطرات ناشی از قاچاق وریشه یابی علل ایجاد آن از یک سو وتلاش جهت ارائه راه کار مطلوب و مناسب برای اقدام ستادی و اجرایی برای سازمان های مسئول و ناجا از سوی دیگر ضرورت انجام این موضوع گردیده است. اهمیت مدیریت را می توان این چنین بیان

کرد که رمز موفقیت و شکست سازمان ها درمدیریت آن خلاصه می شود. به اعتقاد پیتر دراکر [۱] عضو حیات بخش هر سازمان، مدیریت آن است.(دراکر،۱۹۶۴، ص۳۵۱-۳۵۴). هارولد کنتز[۲]، مدیریت را مهمترین زمینهٔ فعالیت انسانی می داند و معتقد است که وظیفهٔ اصلی مدیران در تمام سطوح و در همه ی واحدهای مختلف بازرگانی، صنعتی و اداری این است که محیطی را طراحی و نگه داری کنند تا در آن همه اعضا بتوانند به صورت گروهی با یکدیگر کارکنند و به اهداف تعیین شده دست یابند.(کنتز،۱۹۸۸،ص۴)

بخش اول: بررسی و تحلیل واژه اثربخشی

در لغت؛ مؤثر،کارگر، اثر ونشان، بجاگذاشتن (معین،۱۳۸۱،ص۱۴۱). تعاریف متعددی از اثر بخشی در ادبیات شده است که به تعدادی از آنها می پردازیم؛ اثربخشی عبارت است؛ درجه و میزان نیل به اهداف تعیین شده است. به بیان دیگر اثر بخشی نشان می دهد که تا چه میزان از تلاشهای انجام شده نتایج مورد نظر حاصل شده است. در واقع اثر بخشی مرتبط با عملکرد و فراهم آمدن رضایت انسان از تلاشهای انجام شده می باشد.

۱- اثر بخشی نشان دهندهٔ درجه ای است که طی آن هدفها به انجام رسیده اند یا میزان موفقیت در تحقق هدفها و یا انجام ماموریت ها است. (معینی،۱۳۷۰،ص۱۲).

۲- از نظر سید جوادین (۱۳۸۱) کارآیی بخش میانی مدیریت است و آن ارتباط بین داده ها و ستاده ها را بیان می کند، اگر ستاده های حاصله از داده ها بیشتر باشد کارآیی زیاد است.

۳- در کتابهای سازمان و مدیریت، اغلب اثربخشی را به معنی میزان تحقق اهداف مطرح می کنند. سازمان و اهداف سازمان وکارآیی را به معنی صرف حداقل منابع در جهت تحقق اهداف مطرح می کنند. سازمان و اهداف باید اثر بخش باشند، یعنی موجبات تحقق اهداف

---

۱ .Drucker

۲ Harold Kntz

سازمان را فراهم آورند وهم کارآمد باشند. یعنی راه تحقق اهداف حداقل منابع را مصرف کنند.

۴- دربرنامه ریزی عملیاتی یا اجرایی،کارآیی یعنی دست یافتن به هدفهای تعیین شده با حداکثر بازدهی، به عبارت دیگر، در برنامه ریزی عملیاتی با تأکید بر کارآیی می کوشیم که کارها درست انجام شود. (متقی،۱۳۸۴،ص۹و۱۰)

۵- اثربخشی سازمانی عبارت از میزانی است که یک سازمان با استفاده از منابع خاص و بدون هدر دادن منابع خود و بدون فرسوده کردن غیر ضروری اعضا و جامعه خود، اهدافش را برآورده می‌کند. در واقع اثربخشی سازمانی، درجه نزدیکی یک سازمان به هدف‌هایش را نشان می‌دهد. به‌عبارت دیگر اندازه‌ای است که یک سازمان به اهدافش تحقق می‌بخشد.

۶- پیتر دراکر[۱]صاحب نظر به نام مدیریت، اثربخشی را انجام کار درست تعریف کرده است. تعاریف دیگری همچون اصلاح رویه های مدیریت، کسب موفقیت، تولید ایده های جدید، تقویت ارزشهای سازمانی، تفکرگروهی، مشارکت و مواردی از این قبیل از جمله تعابیری هستند که در مدیریت معادل با اثربخشی به کار می روند (سلطانی، ۱۳۸۰).

بخش دوم: تحلیل مفهومی کارآیی– اثربخشی

مفاهیم"کارایی" ، "اثربخشی" و"بهره وری"، همواره با بهبود روشها و سیستمها و به طور کلی، بهبود سازمان، مطرح بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است. در فرهنگ سازمانی، غالباً این مفاهیم به جای یکدیگر به کار می روند، در حالیکه کاملاً مفهوم جداگانه ای دارند. پیتر دراکر، این تفاوت را به این صورت بیان می کند:

- کارایی یعنی انجام دادن صحیح کار.
- اثربخشی یعنی انجام دادن کار صحیح است .

۱. Drucker, Peter

پس در جاییکه بحث هدف و دستیابی به آن است، با کارایی سر و کار داریم. بحث کارایی چگونگی رسیدن به هدف است نحوه انجام کار و کیفیت مطرح می باشد. اگر هردو باهم باشند یعنی درست انجام دادن کارهای درست.

بخش سوم: مدل‌های اثربخشی سازمانی

مدل‌های مختلفی برای بررسی میزان اثربخشی سازمانی ایجاد شده‌اند. این تنوّع در مدل‌ها به‌دلیل ماهیّت مفهوم اثربخشی، به‌ویژه مرزهای نامشخص آن و به‌دلیل مفهومی‌سازی‌های متنوع سازمان‌هایی است که مدل‌های مختلف اثربخشی را به‌کار می‌گیرند. جدول زیر مدل‌های مختلف اثربخشی را با توجه به مفهومی‌سازی سازمان و تمرکز اصلی آن نشان می‌دهد.

مدل‌های اثربخشی سازمانی

مدل	مفهومی‌سازی سازمان	تمرکز
مدل هدف (Goal Model)	سازمان به‌عنوان مجموعه عقلایی از ترتیبات (Arrangments) که گرایش به رسیدن به اهداف دارند.	رسیدن و تحقق پیامدها (اهداف)
مدل سیستمی (System Model)	سازمان به‌عنوان یک سیستم باز (درون‌داد، تغییر، برون‌داد).	درون‌داد، کسب منابع و منابع داخلی (ابزارها و شیوه‌ها)
مدل عوامل استراتژیک (Strategic-Constituencies Model)	سازمان به‌عنوان عوامل درونی و بیرونی که با مجموعه پیچیده‌ای از محدودیتها و اهداف، مذاکره و توافق می‌کنند.	پاسخ به انتظارات گروه‌های ذی‌نفع قوی که حول سازمان هستند.

مدل ارزش‌های رقابتی (Competing-Values Model)	سازمان به‌عنوان ارزش‌های رقابتی، که اهداف متعارض متعددی را خلق می‌کند.	سه بُعد ارزش‌های رقابتی: * تمرکز درونی در مقابل بیرونی * کنترل در مقابل انعطاف‌پذیری * اهداف در مقابل ابزار یا شیوه
مدل عدم اثربخشی (Ineffectiveness Model)	سازمان به‌عنوان مجموعه‌ای از مشکلات و شکست‌ها	عواملی که از عملکرد موفقیت‌آمیز سازمان جلوگیری می‌کنند.

بخش چهارم: مدیریت پلیس (مدیریت انتظامی)

مدیریت انتظامی از دو واژه مدیریت و انتظامی تشکیل شده است که با توجه به تعاریف متعدد از مدیریت که همگی به طور مشترک گویای علم و هنر کارکردن با و بوسیله دیگران براساس اصولی همچون برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع وامکانات، هدایت و سرپرستی و کنترل با استفاده از تکنیک های تقسیم کار، سلسله مراتب، نظم، وحدت، سیستمهای پاداش و تنبیه و... بود مشخص و تبیین گردید.در بررسی امور انتظامی در واقع اموری است که برابر قانون به نیروهای انتظامی(پلیس) محول می گردد تا ضمن مدیریت بر آن امور مانع هر گونه بی نظمی در جامعه و اختلال در امنیت انتظامی جامعه شده و با برخورد مؤثر با عوامل و حرکتهایی که مخل امنیت داخلی کشور هستند امنیت انتظامی را برقرار نمایند. در واقع مدیریت انتظامی فرآیند بکارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی از طریق برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، رهبری و کنترل امور انتظامی برای

دستیابی به برقراری نظم وامنیت ،تامین آرامش و آسایش فردی و اجتماعی در جامعه و افزایش بهره وری براساس نظام ارزشی صورت می گیرد.(رفیعی،۱۳۸۰،ص۲۳۸-۲۴۰)

بند اول: مدیریت پلیس جامعه محور

در عصر مدرن، محتمل ترین و مؤثرترین پاسخ به چالش های مختلف در زمینه تأمین امنیت در یک جامعه آزاد، تأمین امنیت در سطح جامعه است. راه کار تأمین امنیت در سطح جامعه که در دهه ۱۹۸۰ گسترش یافت، تأثیر بسیار مهمی بر مدیریت پلیس داشته است. به طور ساده باید عنوان داشت که اگر تأمین امنیت در سطح جامعه راهکار متفاوتی در اجرای تأمین امنیت می باشد، ممکن است به رویکرد های متفاوتی در مدیریت پلیس نیز نیاز باشد رویکردی متفاوت هم در اداره درونی پایگاه های پلیس و هم در نقش بیرونی پلیس در تعامل با جامعه و در رویارویی با مشکلات. شناخت چهار بّعد اصلی تأمین امنیت در جامعه و درنظر گرفتن تأثیر آنها بر مدیریت پلیس می تواند بسیار مفید باشد:

۱- بّعد فلسفی؛ ۲- بّعد استراتژیک؛ ۳- بّعد تاکتیکی؛ ۴- بّعد سازمانی.

بند دوم: اهداف و رسالت پلیس

همه سازمان ها از جمله ادارات پلیس، ذاتاً برای هدفی به وجود آمده اند. مدارس برای تعلیم وتربیت دانش آموران وبیمارستان ها برای درمان بیماران ومجروحان ایجاد می شوند. هدف از تأسیس یک شرکت خصوصی در سیستم سرمایه داری اقتصاد ما ایجاد ثروت برای پایه گذاران آن است. دریک نظام سوسیالیست، همین شرکت خصوصی شاید با هدف تولید اشتغال یا ارائه برخی کالاها و خدمات ایجاد شده باشد. البته به واقع این طور است که اکثر سازمان ها چند منظوره هستند. کلی ترین بیانیه از اهداف یک سازمان غالباً رسالت نامیده می شود. مقاصد تقریباً خاص تر را در اصطلاح اهداف می نامند؛ و مقاصد دقیق تر نیز مقصود نهایی نام گرفته اند. کلی ترین بیانه از اهداف یک سازمان پلیس معمولاً رسالت این سازمان است. بیانیه رسالت به طور معمول حاوی مهم ترین ارزش هایی است که یک اداره پلیس و فلسفه کلی مؤسسه را هدایت می کند. نقش بیانیه رسالت «تمرکز بر هدف

سازمان، جلب توجه به سوی موارد مهم، وتعیین اهداف سازمانی برای تطبیق یافتن تمرینات با ارزش هاست». بعضی ادارات پلیس بر بیانیه های بسیار مختصری مانند«خدمت و حفاظت»تکیه دارند، در حالی که برخی دیگر بیانیه های طولانی تر و مفصل تر را ترجیح می دهند. اکثر سازمان ها برای تلاش برحفظ بیانیه های رسالت به طور منطقی آن را مختصر ارائه می کنند تا مأموران بتوانند راحت تر به خاطر سپرده و تحت هدایتش قرار بگیرند. هر مؤسسهٔ پلیس باید با دقت بیانیه رسالت خود را آماده سازد تا نقش منحصر به فردش را به نفع کارکنان پلیس و شهروندان توصیف نماید. (همان،ص۷۱- ص۷۲)

بند سوم: اهداف و مقاصد نهایی پلیس

اهداف و مقاصد نهایی یک سازمان، اگر چه خاص تر هستند، اما باید با رسالت آن سازگار بوده و به تحقق هدف کلی کمک کنند. تعداد وتنوع اهداف و مقاصد نهایی که یک اداره پلیس می تواند برگزیند، تقریباً نامحدودند. برای مثال دفتر پلیس پورتلند در سال ۲۰۰۶، در کنار بیانیه رسالتش، دو هدف اجتماعی و دو هدف سازمانی را نیز ذکر کرده است،که در اینجا تنها می خواهیم سه هدف اصلی و هشت مقصود نهایی را برجسته سازیم که در همه ادارات سراسر دنیا کاربردی هستند. سه هدف اصلی هر اداره پلیس عبارت است از: ۱.حفاظت از جان؛ ۲. حفاظت از مال؛ ۳. حفظ نظم. علاوه براین، هر اداره پلیس دارای هشت مقصود نهایی است که فعالیت های پلیس به سوی آن هدایت می شوند تا تعهدات اصلی زیر را به انجام برسانند:

۱. پیشگیری و کنترل رفتارهایی که اساساً تهدید کننده جان و مال افراد هستند ؛
۲. کمک به افرادی که در معرض خطر صدمه های جسمی هستند ؛
۳. عمل به ضمانت های قانون اساسی؛
۴. تسهیل تردد مردم و وسایل نقلیه ؛
۵. یاری کسانی که نمی توانند از خود مراقبت کنند ؛

۶. حل و فصل درگیری ها ؛

۷. شناسایی مسائلی که احتمال دارد بغرنج تر شوند ؛

۸. ایجاد احساس امنیت در جامعه و حفظ آن.

حفاظت از جان و مال مردم و حفظ نظم اهداف اصلی پلیس هستند. اداره پلیس ایجاد شده است تا به شهروندان ضمانت دهد نظم در جامعه برقرار و جان و مال افراد در سایه قانون حفاظت خواهد شد. شهروندان زمانی که قادرنیستند یا آمادگی ندارند که خود به قانون عمل کنند، مأمور پلیسی را جستجو می کنند تا آنان را در برابر عناصر بی ملاحظه جامعه محافظت کنند،کسانی که آرامش آنان را برهم زده یا آن را مختل می کنند، آزادی شان را نقض می کنند، وجودشان را تهدید می نمایند، واموال آنان را سرقت کرده یا تخریب می کنند، همه شهروندان حق دارند در جامعه ای امن و آرام زندگی کنند. (همان،ص۷۲-ص۷۳)

بخش پنجم: نقش مدیریت انتظامی درمبارزه با قاچاق کالا (وظایف سازمانی پلیس)

پلیس هرکشور برای نیل به اهداف و رسالت خود وظایف متعدد و متنوعی را برعهده دارد که باید در هرسازمان به مرحله اجراء درآیند. برخی ادارات پلیس آن قدر حجم بالایی دارند که برای عمل به هر وظیفه، واحدهای مجزایی تشکیل داده اند. باقی ادارات پلیس جایی در میانه قرار گرفته اند که چالش اصلی شان توسعه مدیریتی یا به اصطلاح سازماندهی است . سه ریزسیستم[۱]سازمان پلیس عبارت است از : ۱- عملیات ها؛ ۲- مدیریت؛ ۳- خدمات کمکی.این سه ریز سیستم، چارچوبی از بحث ما درباره وظایف اصلی پلیس ارائه می کنند. فهرست زیر وظایفی را که در زیر سیستم ها ی سازمان پلیس تعیین شده اند، نشان می دهد. (همان ، ص۹۹).

۷۹-تعریف سیستم : مجموعه ای از عملکردها واهداف است که به واسطه برخی تعاملات یا وابستگی های متقابل یکپارچه گشته اند.(مدیریت پلیس، ۱۳۹۰،ص۷۹)

نگاهی اجمالی و کلی به وظایف سازمانی پلیس در این راستا

عملیات ها	مدیریت	خدمات کمکی
گشت زنی	کارکنان	گزارش ها
تردد وسایل نقلیه	آموزش	ارتباطات دور
تحقیقات جنایی	برنامه ریزی وتحلیل	اموال و مدارک
فساد، مواد مخدر و قاچاق کالا	بودجه وامور مالی	آزمایشگاه
جرایم سازمان یافته	مساعدت قانونی	توقیف
عملیات های ویژه	پردازش اطلاعات	شناسایی
پیشگیری از وقوع جرم	اطلاعات مردمی	تست الکل
خدمات نوجوانان	بازرسی ها	امکانات
خدمات جامعه	امور داخلی	تجهیزات وتدارکات
خدمات مدارس	اطلاعات جاسوسی	تعمیر ونگهداری

بند اول: زیر سیستم عملیات ها

عملیات ها، فعالیت های هستند که مستقیماً به مردم کمک می کنند. زیر سیستم عملیات ها بخشی از کار پلیس است که اکثر مردم با آن آشنا هستند. مأموران پلیس از طریق این زیر سیستم به انجام اقدامات پلیسی ، مبارزه با جرم وارائه خدمات به مردم به خدمت گرفته می شوند. دو زیر سیستم دیگر (مدیریت وخدمات کمکی) برای انجام خدمات روزانه دراز مدت به کارکنانی که در زیر سیستم عملیات ها کارمی کنند، ایجاد می شوند. اهداف زیر سیستم عملیات شبیه به همان اهداف اصولی کل مؤسسه پلیس است: حفظ نظم و

محافظت از جان ومال افراد. همه کارهای انجام شده توسط کارکنان این زیر سیستم به سوی نیل به این اهداف سازمانی مهم جهت گیری شده است. وظایف موجود در این ریز سیستم با هدف دستیابی به اهداف و مقاصد تعیین شده انجام می شوند.که وظایف آن عبارتنداز: گشت زنی، تردد وسایل نقلیه، تحقیقات جنایی، فساد، مواد مخدر، قاچاق کالا، جرایم سازمان یافته، عملیات های ویژه، پیشگیری از وقوع جرم، خدمات نوجوانان، خدمات جامعه، خدمات مدارس. (همان ،ص۱۰۰).

بند دوم: زیر سیستم مدیریت

وظایف تشکیل دهنده زیر سیستم مدیریت (کارکنان، آموزش، برنامه ریزی وتحلیل، بودجه وامور مالی، مساعدت قانونی، پردازش اطلاعات، اطلاعات مردمی، بازرسی ها، اموراداخلی، اطلاعات جاسوسی) نه در کمک مستقیم به مردم بلکه به سود سازمان به عنوان یک کلّیّت، به اجراء در می آیند. به علاوه وظایف این زیر سیستم کاربرد بلند مدت تری نسبت به زیر سیستم خدمات کمکی دارد. یک روش برای تشخیص وظایف مدیریتی از وظایف خدمات کمکی این است که بپرسیم:«آیا لازم است این وظیفه شبانه روزی انجام شود؟» وظایفی همچون برنامه ریزی وآماده سازی بودجه که به طور مستمر اجرا نمی شوند، به طور کلی وظایف مدیریتی در نظر گرفته می شوند و وظایفی مانند؛ ارتباطات و شناسایی که مستمراً اجرا می شوند، معمولاًدرگروه وظایف خدمات کمکی دسته بندی می گردند؛ هردو نوع وظیفه به سود یا در خدمت کل اداره پلیس هستند؛ هردو اصولاً اموری داخلی می باشند. از طرف دیگر وظایف عملیاتی به صورت خارجی و به سود مستقیم مردم انجام می گیرند. (همان ،صص۱۱۶- ۱۱۷).

بند سوم: ریز سیستم خدمات کمکی

عملیات ها را به فعالیت هایی توصیف کردیم که در کمک مستقیم به مردم انجام می شوند ومدیریت را فعالیت هایی شرح دادیم که در دراز مدت به سود تمام واحدهای سازمانی کار می کنند. باقی فعالیت ها در حیطه زیر سیستم خدمات کمکی به اجراء در می آیند. لازم

است که این فعالیت ها نیز به نفع واحدهای اداری پلیس هستند، اما نسبت به فعالیت های مدیریتی منظم تر و مستمر تر هستند. خدمات کمکی معمولاً به صورت ۲۴ ساعته در روز و ۳۶۵ روز در سال به مأموران عملیاتی پلیس خدمات ارائه می کنند؛در حال که فعالیت های مدیریتی معمولاً به صورت هشت ساعت در روز وپنج روز درهفته در خدمت مأموران پلیس هستند. اگرچه گاهی تشخیص این دو نوع فعالیت از یکدیگر دشوار است، اما برای تشخیص راحت تر می توان خدمات مدیریتی را خدماتی بلند مدت و دارای محدویت زمانی دانست در حالی که خدمات کمکی ،خدماتی مستقیم هستند که دایم در دسترسی قرار دارند. وظایف مشمول در زیر سیستم خدمات کمکی عبارت است از: گزارش ها، ارتباطات دور، اموال و مدارک، آزمایشگاه، توقیف، شناسایی، تست الکل، امکانات، تجهیزات وتدارکات، تعمیر ونگهداری. (همان ، ص۱۳۲)

بخش ششم: ماموریت های پلیس مبارزه با قاچاق کالا وارز ناجا

هم اکنون اهم ماموریتهای پلیس مبارزه با قاچاق کالا وارز ناجا به شرح ذیل است:

۱. تهیه و تنظیم سیاست ها و خط مشی های مربوط به امور کشف و مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پیشنهاد به مبادی ذیربط برای تصویب،

۲. تهیه طرح ها و برنامه های لازم در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز و کاهش مهار آن در سطح جامعه و ارایه آنها به مراجع ذیربط جهت تصویب و ابلاغ،

۳. تهیه و تنظیم آیین نامه ها و دستورالعمل های تخصصی در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز و پیگیری تصویب و ابلاغ آنها،

۴. برآورد نیازمندیهای تخصصی واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان ها ، تامین و ارایه طرح و توزیع آنها،

۵. بررسی قوانین و مقررات موجود در زمینه قاچاق کالا و احصاء مشکلات آنها و پیشنهاد راهکارهای مناسب به منظور وضع قوانین و مقررات متناسب،

۶. جمع آوری و تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات مربوط به قاچاق کالا و ارز در سراسر کشور،

۷. ارایه نظرات و پیشنهادات تخصصی در زمینه های آموزشی ، تجهیزات و اعتبارات ، سازمان و کمیت و کیفیت نیروی انسانی به مراجع ذیربط،

۸. تحقیق و بررسی در خصوص علل و انگیزه های گرایش به قاچاق کالا و ارز و ارایه راهکارهای لازم به منظور کاهش جرایم مذکور در سطح جامعه به مراجع ذیربط،

۹. ارزیابی و تجزیه و تحلیل عملکرد واحدهای اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز و اقدام در جهت رفع مشکلات و موانع ستادی و اجرایی از مبادی ذی ربط،

۱۰. نظارت بر اجرای طرح ها ، آیین نامه ها و دستورالعمل های تخصصی ابلاغی و هدایت ستادی واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز رده های ناجا،

۱۱. شناسایی و جمع آوری آخرین شگردها و روش های مجرمین قاچاق کالا و ارز و ارایه راهنمایی های لازم به واحدهای اجرایی جهت مبارزه مؤثر با آنان،

۱۲. بررسی و پیگیری ستادی در خصوص امور موبوط به حق الکشف مامورین و سهم ناجا از محل جرایم وصولی حاصل از فروش کالای مکشوفه برابر ضوابط و مقررات،

۱۳. بررسی و پیگیری ستادی امور حقوقی گزارشات و پرونده های مهم مکشوفه قاچاق،

۱۴. مشارکت و همکاری در راه اندازی و بهسازی و بهره برداری از بانک اطلاعات متمرکز مجرمین،

۱۵. تهیه و تنظیم گزارش از فعالیت ها و عملکرد واحدهای مبارزه با قاچاق کالا و ارز رده های ناجا و ارایه به مبادی ذیربط برای بهره برداری،

۱۶.تعامل با سازمان های مرتبط و ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا وارز در جهت مقابله هرچه بهتر با قاچاق کالا در کشور.

بخش هفتم: ارزش های مهم کار پلیس

نتیجه اینکه؛ کار ومدیریت پلیس باید تحت هدایت اهداف ومقاصد اصلی توصیف شده در بالا باشد. و نیز بیانه ای کلی از رسالت اداره پلیس باشد. فعالیت های مأموران و مدیران پلیس باید مستقیم یا غیر مستقیم در جهت نیل به رسالت، اهداف ومقاصد سازمانی باشد. هرگاه مشخص شود که منابع گسترش یافته یا تلاش های صورت گرفته ارتباطی به رسالت، اهداف ومقاصد اداره پلیس نداشته است، باید به شدت زیر سئوال برده شود، زیرا این منابع و کوشش ها ممکن است کمکی به کارآمدی واقعی سازمان نکرده باشد. (همان، ص۷۷) با توجه به وظایف سازمانی پلیس که در سه ریزسیستم؛ عملیاتها، مدیریت، و خدمات کمکی بیان گردید و برابر بند ۸ ماده ۴ قانون (مصوب۲۷تیر ماه ۱۳۶۹) ناجا وظیفه پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالارا برای نیروی انتظامی پیش بینی کرده است. بنابراین اهداف، رسالت و مقاصد نهایی و ماموریتهای پلیس در شناسایی، کشف و مقابله با قاچاق کالا از رسالت های اصلی آن بوده که با مدیریت صحیح بر منابع انسانی، تجهیزات و با استفاده از نقاط قوت قوانین موجود وشناسایی نقاط ضعف قوانین در جهت اصلاح وبازنگری در راه رسیدن به رسالت، اهداف، مقاصد نهایی و راه ها کار ، تدابیر، برنامه ها، وظایف، خط مشی ها، شیوه های کاری در راه رسیدن به رسالت اصلی خود نقش مهم و بسزایی دارد که امروزه ادارات پلیس برای ابلاغ رسالت خود از آن استفاده می کنند. هر مؤسسهٔ پلیس باید با دقت بیانیه رسالت خود را آماده سازد تا نقش منحصر به فردش را به نفع کارکنان پلیس و شهروندان توصیف نماید. (همان، ص۷۱- ص۷۲).

بخش هشتم: نوع مدیریت کنونی حاکم بر مدیریت انتظامی مقابله با قاچاق کالا

با توجه به طبقه بندی مدیران به اینکه چه فعالیتی در سازمان انجام می دهند در سه سطح؛ ۱- مدیریت عملیاتی(سرپرستی) ۲- مدیریت میانی ۳- مدیریت عالی در حال حاضر نوع مدیریت انتظامی مقابله با قاچاق کالا در مرکز کشور از نوع مدیریت میانی (مدیران میانی به طور مستقیم به مدیریت ردهٔ بالا گزارش می دهند؛ کارشان مدیریت بر سرپرستان است و

نقش حلقه ی واسطی را میان مدیریت عالی و مدیریت عملیاتی به عهده دارند .مدیران میانی برنامه ریزی میان مدت می کنند و برای اظهار نظر مدیریت عالی برنامه های جامع تر وبلند مدت آماده می سازند. عملکرد مدیری رده های پایین را تحلیل کرده، توانایی و آمادگی آن را برای ارتقا تعیین می کنند و به مدیران رده پایین در تولید، پرسنل و سایر مسائل، خدمات مشاوره ای عرضه می دارند.) می باشد. در سطح استان ها نیز از نوع مدیریت عملیاتی(دراین سطح مدیران و کارکنانی فعالیت می کنند که مستقیماً با واحد های اجرا و اهداف مؤسسه در ارتباطند. این دسته از مدیران از سطح مدیریت میانی دستور العمل ها را گرفته وبا تنظیم برنامه های عملیاتی کوتاه مدت، سعی می کنند فعالیت های واحد های اجرایی را هدایت و هدف های سازمان را تحقق بخشند) می باشد. (رضائیان،۱۳۸۹، ص۲۹) نظریه خاصی که دال بر علت انتخاب شاخص های مدیریت انتظامی باشد وجود نداشت. لیکن با توجه به مأموریت ذاتی و اصلی پلیس در جامعه کنونی که در زیر سیستم عملیات پلیسی بدان اشاره گردید از مهم ترین وظایف عملیاتی پلیس، مبارزه با قاچاق کالا بوده و از طرفی درمصاحبه با کارشناسان و مسئولین فعلی و قبلی در حوزه قاچاق کالاو ارز و راهکارهای ارائه شده درکتاب های نگارش شده در بحث قاچاق کالا و تجارب بدست آمده محقق از خدمت چندین ساله در این خصوص بیشترین مواردی که پلیس در امر مقابله با قاچاق در حال حاضر بکار می برد استفاده از منابع انسانی و تجهیزات در حوزه درون سازمانی بوده و شاخصه بعدی پژوهش قوانین مبارزه با قاچاق کالاست. هرچند از منابع برون سازمانی پلیس است لیکن ارتباط مستقیم و تنگاتنگ در رسیدن به اهداف سازمانی و رسالت پلیس در امر مقابله با قاچاق را که همانند بازوان قدرتمند و دیوارهای مستحکم بوده که با اتکاء به آن مامورین می توانند در برابر سودجویان و قاچاقچیان کالا ایستادگی، مقاومت و مبارزه کننده و مجرمان را به سزای عمل خود برسانند و همچنین قدمت تصویب قوانین کنونی که با شرایط و مقتضیات کنونی جرم قاچاق و جرایم علیه مجرمین نیز مطابقت چندانی نداشت لازمهٔ انتخاب آنها را برای محقق فراهم آورد.

نتیجه گیری

نهایتاً در پایان این مقاله می توان اینگونه نتیجه گیری نمود که با توجه به تنوع و پیچیدگی جرم قاچاق کالا که ناشی از تصمیم ها ، سیاست و تدابیر قوای سه گانه ؛ مقننه، مجریه و قضاییه است و همچنین چند بُعدی بودن علل وقوع این جرم که ناشی از؛ فقر و بیکاری قشر جوان ، عدم توسعه یافتگی مناطق و روستاهای مرزی، وجود بازار تقاضا و مصرف کالا در داخل، کیفیت کم کالای تولید داخلی، دریافت تعرفه گمرکی بالا برای واردات، شرایط جغرافیایی و طولانی بودن مرزهای آبی و خشکی، سودآوری حاصل از قاچاق و... می باشد همگی بسترها و زمینه های قاچاق کالا را فراهم نموده است در واقع مشکلات پلیس را در مقابله با این پدیده شوم اقتصادی چند برابر کرده و هر چقدر ناجا با استفاده از مدیریت قوی و برنامه ریزی شده، تجهیزات لجستیکی مناسب ،کارکنان متعهد، با دانش و تجربه بالا با قاچاق مقابله نماید ممکن است بصورت مقطعی و در یک برهه زمانی اثر گذار باشد لیکن بصورت دائمی و قطعی ریشه قاچاق را نمی تواند قطع و از بین ببرد. بنابراین لازمه اثر بخشی مدیریت انتظامی در مقابله با قاچاق کالا همراهی، همکاری و عزم ملی دولت به عنوان قوه مجریه در تهیه و تنظیم لوایح مناسب جهت اصلاح قوانین، رفع مشکلات معیشتی مردم با اولویت استان های مرزی، ایجاد اشتغال برای جوانان با اولویت استان ها و شهرهای آلوده مرزی، پیوستن به قانون تجارت جهانی ، افزایش نرخ ریال در برابر ارزهای خارجی و... از یک سو و تصویب قانون مدون و بازدارنده در تمامی ابعاد قاچاق کالا، استفاده از قضات با تجربه، متخصص در امور قاچاق کالا، ایجاد شعبات ویژه رسیدگی به جرم قاچاق کالا، صدور احکام بازدارنده و مشدد علیه قاچاقچیان و سودجویان، توقیف، ضبط و مصادره؛ اماکن، محل های انبار، وسائط نقیله حمل کالا(زمینی و دریایی)، و ضبط وجوه حاصل از درآمدهای نامشروع از قاچاق، ایجاد وحدت رویه قضایی در پرونده های قاچاق، اجراء صحیح و به موقع قوانین علیه سازمان جرم قاچاق و... توسط قوه مقننه و همچنین همکاری و مساعدت کلیه سازمان ها ، وزارتخانه ها و ارگان های دولتی متولی در کنار اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی پلیس (مهمترین وظیفه آن برقراری امنیت داخلی و اقتصادی کشور

می باشد) علیه سازمان جرم قاچاق کالا به منظور؛ شناسایی، کشف، دستگیری افراد و عناصر سودجو و قاچاقچیان در جهت پیشگیری و مقابله را بصورت مستمر و همیشگی می طلبد. لیکن بکارگیری تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری پیچیده در محورها ومسیرهای پرتردد حمل کالا، ایستگاههای ایست و بازرسی و... به عنوان ابزار کار پلیس در شناسایی و کشف به موقع کالاهای ممنوعه و قاچاق امری ضروری بوده که در این راستا بسیار مهم، کارساز و ضروری است.

منابع ومأخذ

منابع فارسی

- ذاکری، سید تراب، (۱۳۸۹)، «مدار اطلاعاتی»، ارتش جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

ـ رازینی، علی ابراهیم ، (۱۳۷۸)، «روش های منطقی کردن تعرفه ها دراقتصاد ایران»، تهران، موسسه مطالعات وپژوهش های بازرگانی.

- رضائیان، علی، (۱۳۸۹)،«اصول مدیریت»، چاپ بیست ویکم، تهران، انتشارات سمت.

-رفیعی،حسن، (۱۳۸۰)،«امورانتظامی درنظام حسبه اسلامی»، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

-رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۶)، «توسعه و تضاد»، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

- روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۲)، «قانون مبارزه با قاچاق کالا وارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳»، تهران، به سفارش سازمان تعزیرات حکومتی – دفتر کل مبارزه با قاچاق کالا وارز،

- سازمان بازرسی کل کشور،(۱۳۸۰)،گزارش « بررسی قاچاق کالا وشیوۀ مقابله با آن» ، تهران.

- سپهری، سید کریم،(۱۳۸۱)، «تحقیق پیرامون ابهاد اقتصادی پدیدۀ قاچاق کالا، مشکلات موجود و راهکارهای مقابله با آن»، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.

- ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و گمرک،(۱۳۸۰)،«مطالعه و بررسی ابعاد استراتژیک محیطی پدیده قاچاق کالا در استان های هرمزگان و بوشهر»، تهران: مؤسسه تحقیقات راهبرد مدیریت .

- سلطانی، ایرج، «اثر بخشی آموزش در سازمانهای صنعتی وتولیدی»،مجله تدبیر،شماره۱۱۹.

- ساروخانی، باقر، (۱۳۷۸)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشکده.

- سیروس، قادر و شکری، رضا.(۱۳۸۱)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر مهاجر.

- شوقی، محمود، (۱۳۹۱)، «آماد و پشتیبانی مدیریت و عملیات»،تهران، معاونت تربیت وآموزش ناجا.

- طالبیان،حسین، (۱۳۹۲)، «مدیریت اطلاعات جنایی –بانک های اطلاعاتی» تهران، معاونت تربیت و آموزش ناجا، اداره کل منابع و متون درسی.

- علی آبادی، منصور، (۱۳۸۶)،«نشریه اقتصاد پنهان »، تهران، دفتر کل پژوهش ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا وارز.

- عرب مازاریزدی، علی، (۱۳۸۰)،«حجم اقتصاد سیاه ایران»، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

- فربود، غلامرضا، (۱۳۸۰)، مبانی فقهی و حقوقی قاچاق ،تهران ،دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.

-کریمی، خدیجه،(۱۳۷۹)«چه کالاهایی واز چه مبادی به طور قاچاق وارد می شود ؟»، بررسی های بازرگانی، مؤسسه مطالعات وپژوهش های بازرگانی،۱۳۷۹.

- کریتنر، رابرت وکینیکی،آنجلو؛ «مدیریت رفتار سازمانی»،علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده،۱۳۸۶، چاپ دوم، تهران، پیام پویا.

- کهن، گوئل، (۱۳۷۷)، مدلی چهار وجهی در تعیین اثر بخشی سازمان ها، یک روش شناسی علمی برای محاسبهٔ اثر بخشی سیستم ها، فصلنامهٔ مطالعات مدیریت، شماره ۲۰.

-گل محمدی خامنه، علی، (۱۳۸۴)، «دستگیری و بازداشت و نحوه نگهداری متهمان»، تهران، مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم.

- مستمند، علیرضا، (۱۳۷۷)،« بررسی قاچاق کالا وجرائم گمرکی در مقررات کیفری ایران»، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا.

- معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی، تهران ، انتشارات امیر کبیر.

- مؤسسهٔ تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، (۱۳۸۱)،«قاچاق»، از سری بررسی های امنیتی اقتصادی.

ـ مؤسسهٔ مطالعات وپژوهشهای بازرگانی(۱۳۷۷)، مجموعهٔآشنایی با تعاریف واصطلاحات بازرگانی واقتصادی .

- مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، (۱۳۷۷)، «مجموعه مقالات پیرامون قاچاق کالا و آثار اقتصادی آن»، ماهنامهٔ بررسی های بازرگانی،ش ۱۳۵، ص۱۷-۱۹.

- معاونت پژوهشی،(۱۳۷۸)، «بررسی پدیده قاچاق درایران، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

- معاونت پژوهشی مجلس، (۱۳۷۸)، «بررسی پدیده قاچاق در ایران، تهران، مرکز پژوهش های راهبردی مجلس.

- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۰)، قوانین ومقررات آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات امیرکبیر .

- مؤذن جامی، محمد هادی،(۱۳۸۴) «بررسی معضل قاچاق کالا وراهبردهای مبارزه با آن»، مؤسسهٔ عالی آموزش و پژوهش و برنامه ریزی، سلسله مباحث اقتصادی و مدیریتی، نشست نهم،۹ تیر .

منابع انگلیسی

- Drucker, Peter The Effective Executive, -Management, New York: Harper & Row.
- Henri, J.F;(2004), Performance Measurement and Organizational Effectiveness: Bridging the Gap. Managerial Finance JournalVol30, p98.،p99.
- Haralabos ,Merton ,(1980), Socilogy Themes and propective ,London: Oxford , p414.
- Lovly mare E. and Nelson daugls (1995), smuggling and welfar in a Ricardo winer Economiy- Jurnal Economic studies –wol22-no 6-pp.26-45.
- Martz, W.A;(2008), Evaluating organizational effectiveness. Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, Western Michigan University, p33.
- Koontz, Harold &Others ,(1988), Management, 8thed., New York :Mc Graw-Hill.
- Scott fausty,(1992)-smuggling and parallel-markets for export international No.4 -pp.443-470**.**